

لزد جوانهرد

۵۲-

بیان اینکه نامید شوید

بلطفه های اهواش

هرچر توین کمده شکسپیر

طوفان

را آذخالا تهیه نمایند

روزهای پنجم شنبه ۲۱ جمهوری ۲۲ و شنبه ۲۳ تیر ماه دو باع اینجین

فرهنگ ایران و اندیشه تجربی

بلطفه های خود را قبلاً ممکن است تهیه نهاید

منجز چند عدد از بلطفه های ۱۰۰ و ۱۰۱، یا بلطفه های ۵۰ و ۵۱

و ۳۰ و ۳۱ باقی است. تمام صنایعها لولوی قرار گرفته است که بعده

صحته نایاشن و بدون مراجعت ممکن است تماشان نمود. و سیله

حل و حل از اینجین فرهنگ ایران و اندیشه تهران با توجه به فرهنگ ایران

و اندیشه تجربی و بالمسک تهیه شده است. تماش داده شود.

سخت ترا ازاله آشین و آشناست و با آنکه

«لک شتر» بازدست گردی را به شدت

از خود درود کرد. آنکه دروزه دوست

که شلوغ شدن تصریح کرد که میتواند

در حق او نیزه دارد که از فرار

رسید و زمینه بیک شفته تاره درزدش

توبه شد و بیان اینکه خود را با

دوست داریکه نهاده و راه را که خود را

آشناست و تازه به صندوق از مه

بصوری بالاتر فرازدشت. با آنکه

دیگر از طرف پاسانها خطرش آمده

قدنه بود و یقین گردید که هر

سه شنبه شان تصریح کرد که از فرار

رسید و زمینه بیک شفته تاره درزدش

توبه شد و لذت اینکه خود را

بیان اینکه خود را بازدست گردید

دوستی بینکه را برای رسیده

نوادرش را درین میان آشین

آن جوان را درین آشین باخود

قرارداد و تندی از صندوق در آمد

و در نهایت آشکنی بازگشت پا را

خود را بزیر بجه و مساند و احتیاط

پنجه را بالازد و گردا از زیر بجه

بادقت بدرون اطاق اینکه دوباره

پنجه را بست.

حالا دیدی جای دونک و تامل نیود

و میباشد پا صرعت و چالاکی بکار

بردازد.

پیکن که آنچه شنید و راه ران

بیرون اندخته و مراعی نزد کان راه

سلامتی دریش کرد.

«لک شتر» پاسان این تقاضی

خانش شکست بود. زیرا نیزه میکرد

که آنچه را که فکر نمیکند

بوجوش آورده است بتوان یا نیز

پیدا کند دواین وقتی پس از آنکه قوت

و استحکام او را آزمایش نموده و

مطمئن شد که توانایی تحمل منکری

اور اداوه از آن بالا رفته و از پنجه

های اشکوب اول و دوم رفشد تا آنکه

میجوش زیرا یک چیز نزی بدمد

خود را بود که میتواند دندری

در آن شب احسان از این احتیاط

متفقین سود و دو و سه بلافاصله از این احتیاط

که باو دست داده بود خدش این کرته

از راه خود را بزیر حقیقت بود که

با وجوده این میدانست که ای تا دنیه

دیگر خیری شود باید از دنیا کردن

نقشه و در صرف نظر کند دو قیقه دیگر

هم در نهایت سختی و مشقت گذشت زیرا

دیگر بازداش و موقوت را نیکه نمیبرد

از روی شاشت و شادمانی میگرد

پلاک شتر مدت پنج الی ده دقیقه

باگر بازی کرد که درین حال تمام

حوالش توجه این بیان را کرد

چون میگردید که ای آنکه شد

از پنجه ایشان بود میگردید

دشمنانه بود که ای اینکه شد

دشمن

